

۱۵۵
۱
۱۴۸
هفتی



www.ketab.ir



سرشناسه	: نوذری فردوسیہ، محمد، ۱۳۳۹-
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: عنصر معنوی جرم قتل / محمد نوذری فردوسیہ، علی زنگنه.
مشخصات نشر	: قم: انتشارات حقوق اسلامی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۱۶۸-۱۳۶-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: قتل -- ایران
موضوع	: Homicide -- Iran
موضوع	: قتل عمد (فقه)
موضوع	: Murder (Islamic law)
موضوع	: قتل عمد-- ایران
موضوع	: Murder-- Iran
شناسه اثر	: زنگنه، علی، ۱۳۷۱-
رده‌بندی کنفر	: KMH۴۰۰/۵۹۹۱۳۸۸
رده‌بندی دیوین	: ۳۴۵/۵۵۰۲۵۱۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۷۲۸۳۱



عنوان کتاب: عنصر معنوی جرم قتل

مؤلف: دکتر محمد نوذری فردوسیہ، علی زنگنه

ناشر: حقوق اسلامی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

تیراژ: یکصد نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

مرکز نشر و پخش: قم - خیابان ارم - پاساژ قدس - طبقه همکف - پلاک ۹۱

www.hoghogheislami.com

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۴۲۰۰

تهران، خیابان انقلاب، بازارچه کتاب، کتابفروشی فارابی / ۶۶۴۱۳۵۳۹ - ۰۲۱
تهران، خ ناصرخسرو، ک حاج نایب، پاساژ صبا، انتشارات صبا / ۳۳۱۱۹۹۵۵ - ۰۲۱

«این کتاب مستخرج از پایان نامه دفاع شده در دانشگاه قم بوده است»

عنصر معنوی جرم قتل

دکتر محمد نوذری فردوسیه

استادیار دانشگاه قم

علی زنگنه

تقدیم به:

این اثر ناقابل را بدو همکار میربانس و لطف زین و مدرس هستم که از بچگی جدایم کرده اند؛ پسر من
که پروردگار:

نه میتوانم موهبتش را که در راه عزت من سفید شد، سیاه کنم و نه برادر دستیار پینه بسته اش که عمره
تلاش برادر افتخار من است، مرهم دارم. پس توفیق ده که هر لحظه شکر گزارش باشم و ثانیه ها را عمرم
را در چهار دست بودنش بگذرانم.

تقدیم به شما مادر: مادر و پدر عزیز

پیشگفتار

با بررسی در حقوق داخلی کشور، هرچند انواع مختلفی از قتل وجود دارد اما با توجه به قانون مجازات اسلامی انواع این قتل ها شامل: عمد، غیر عمد و خطای محض است. می توان گفت که عنصر معنوی قتل در بین عناصر تشکیل دهنده آن، دشوار ترین و مهمترین موضوع در بررسی جرم قتل و تشخیص ماهیت جرم است. موضوعی که میتواند در دادگاه ها حکم قاضی را به عمد و قصاص یا غیر عمد و دیه تبدیل کند. هدف این بود که مبانی دقیق فقهی و حقوقی از عنصر معنوی قتل را بیان کنیم که راهگشای این نوع از پرونده ها در دادگاه باشیم. نتیجه آن که با توجه به مطالعات کتابخانه ای، مبنای فقهی که حتی پیش از مبانی حقوقی در مورد عنصر معنوی بوده است شامل قصد فعل و قصد نتیجه است. اگرچه با اضافه شدن بند هایی به ماده ۲۹۰ ق.م.ا گمان این بود که مقنن در تشخیص عنصر معنوی ملاک های دیگری مثل سوء نیت معین، غیر معین و غیره را پذیرفته است، اما بیان این بندها برای ذکر مصادیق قتل عمدی بوده است و ملاک همان دو مورد است. قصد فعل را نیز باید در قتل نوعاً کشنده لحاظ کنیم به علت اینکه تمام رفتارهای ارادی عمدی محسوب می شود چون اراده است که با فعل و انفعال ذهنی باعث انجام یک عمل می شود. اضافه شدن قتل اشتباه در هویت تغییر جدید دیگری در حوزه ای عنصر معنوی بود، که ثابت کردیم به دلیل اینکه قصد فعل و قصد نتیجه وجود دارد قتل شخص دیگر، به جای فرد مورد نظر جانی تغییری در عمد بودن قتل ایجاد نمی کند. و در پایان بیان می کنیم که عنصر معنوی در قتل عمد از طریق ترک فعل وجود دارد که مقنن باید این موضوع را به صورت اختصاصی با ذکر در مبحث قصاص مورد توجه قرار دهد.

فهرست

۱۳	۱. مقدمه
۱۶	۲- بیان مسئله و سؤال‌های تحقیق
۱۸	۳- پرسش‌های تحقیق
۱۸	۴- فرضیه‌های پژوهش
۱۹	۵- پیمانه‌ی پژوهش
۱۹	۶- ضرورت انجام پژوهش
۲۰	۷- اهداف پژوهش
۲۱	فصل اول: کلیات
۲۳	۱-۱- مفهوم شناسی
۲۳	۱-۱-۱- مفهوم جرم
۲۴	۱-۲-۱- جرم در لغت
۲۵	۱-۲-۱-۳- تعریف جرم در اصطلاح
۳۰	۱-۳-۱- انواع جرم
۳۰	۱-۳-۱-۱- جرائم عمدی
۳۱	۱-۳-۱-۲- جرائم غیر عمدی
۳۲	۱-۴-۱- عناصر تشکیل دهنده جرم
۳۳	۱-۴-۱-۱- عناصر «عمومی» مشکله‌ی جرم
۳۶	۱-۴-۱-۲- عناصر «خصوصی» یا «اختصاصی» مشکله‌ی جرم
۳۷	۱-۴-۱-۳- تعداد عناصر پدیده مجرمانه
۴۰	۱-۵- دیدگاه فقهی عناصر جرم
۴۳	فصل دوم: عنصر معنوی جرم
۴۵	۲- مقدمه
۴۶	۲-۲- مؤلفه‌ها و اجزای عنصر معنوی
۴۶	۲-۳- قصد
۴۶	۲-۳-۱- انواع قصد
۴۹	۲-۴-۱- سوءنیت و ملاک تشخیص فقهی آن
۴۹	۲-۴-۱-۱- سوءنیت عام و سوءنیت خاص
۵۰	۲-۴-۱-۲- سوءنیت ساده یا اندیشه قبلی
۵۰	۲-۴-۱-۳- سوءنیت جازم و سوءنیت احتمالی
۵۰	۲-۴-۱-۴- سوءنیت جازم و شبه عمد
۵۱	۲-۵- عنصر معنوی جرائم عمدی

۵۲	۲-۵-۱. عنصر معنوی جرائم عمدی مطلق.....
۵۳	۲-۵-۲. عنصر معنوی جرائم عمدی مقید.....
۵۳	۲-۵-۳. جایگاه انگیزه در عنصر معنوی جرائم عمدی.....
۵۸	۲-۶. عنصر معنوی جرائم غیر عمدی.....
۶۱	۲-۶-۱. عنصر معنوی جرائم غیر عمدی مطلق.....
۶۱	۲-۶-۲. عنصر معنوی جرائم غیر عمدی مقید.....
۶۲	۲-۶-۳. مبانی جرم انگاری جرائم غیر عمدی.....
۶۹	فصل سوم: عنصر معنوی جرم قتل در حقوق موضوعه و مبانی فقهی آن.....
۷۱	۳. مقدمه.....
۷۲	۳-۲. بررسی عنصر معنوی قتل عمدی.....
۷۴	۳-۲-۱. قتل عمدی توأم با قصد نتیجه.....
۸۴	۳-۳. اشتباه در تشخیص مهمله والدم بودن مجنی علیه.....
۸۹	۱- شبهه هویت مجنی علیه.....
۹۰	۲- خطا در قصد.....
۹۰	۳- انتفاء قصد مجرمانه.....
۹۲	۳-۴. جرم ناشی از اشتباه در هویت.....
۹۲	۱- اشتباه در هویت.....
۹۳	۲- اشتباه در فعل.....
۹۳	۳- اشتباه در هدف.....
۹۳	۲. قصد نتیجه.....
۹۶	۳-۲-۲. قتل عمدی بدون قصد نتیجه.....
۱۰۴	۳-۵. قتل عمدی توأم با کیفیات مخففه.....
۱۰۵	۳-۶. عنصر معنوی قتل غیر عمدی.....
۱۰۶	۳-۶-۱. قتل شبه عمد.....
۱۲۱	۳-۶-۲. قتل خطای محض.....
۱۲۷	۳-۶-۳. قتل در حکم شبه عمد.....
۱۲۸	۳-۶-۴. قتل در حکم خطای محض.....
۱۲۹	۳-۶-۵. تفاوت قتل شبه عمد با قتل خطای محض.....
۱۲۹	۳-۷. ارتکاب قتل با ترک فعل.....
۱۳۰	۳-۷-۱. ارکان جرم قتل عمدی با ترک فعل.....
۱۳۵	نتیجه گیری.....
۱۳۸	پیشنهادهای.....
۱۴۱	منابع و مآخذ.....

الف - فارسی	۱۴۱
ب - عربی	۱۴۵
ج - انگلیسی	۱۴۸
د - قوانین و آراء قضایی دیوان عالی کشور	۱۴۸

www.ketab.ir

۱. مقدمه

«قتل نفس» به عنوان شدیدترین و خشن‌ترین مصداق جرائم علیه اشخاص که واجد قبح شدید ذاتی تلقی می‌گردد. اولین جرمی است که از دیدگاه قرآن در زمین واقع شده است که نشان از تجاوزگری و حردمحوری انسان است و این عمل در همان زمان، هم جرم و گناه بوده است^۲ و نیز برده کلمه ملل در طول تاریخ و از قدیم‌الایام مذموم بوده است و همواره احساسات جمعی جوامع را برمی‌انگیزد. مطالعه قدیمی‌ترین قوانین مکتوب بشری یعنی قانون حمورابی^۳ که سابقه چهارهزارساله دارد، در اوایل زندگی بشر که مفاهیمی چون حقوق فردی و اجتماعی، قوانین مدون، نظم اجتماعی و... هنوز به درستی درک نشده بود. اساساً گروه‌های اجتماعی در خصوص مسئله قتل دخالتی نمی‌کردند. قاتلی که دیگری را کشته بود علاوه بر اینکه جان خود را در معرض خطر قرار داده بود،

1. Manslaughter

۲. سوره مائده آیات ۲۷ و ۳۲

۳. حمورابی ششمین و بزرگ‌ترین پادشاه سلسله اول بابل است، اما آنچه بر اهمیت وی می‌افزاید کوششی است که در راه قانونگذاری به کار برده است. گرچه طبق نوشته مورخین قوانین حمورابی از قوانین قدیمی‌تر یعنی سومری‌ها و مجموعه قوانین اشنونا اقتباس شده، ولی اهمیت حمورابی در این است که توانسته قوانین مزبور را به صورت مکتوب در روی سنگ بزرگی حک نماید. این قطعه سنگ بزرگ که به صورت ستونی است، ضمن حفريات شوش بدست آمده و هم اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود. قانون مزبور مشتمل بر ۲۸۲ ماده است. (مرتضی محسنی، دوره حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲، جلد اول)

خانواده و قبیله‌ی خود را نیز درگیر کرده و حیات آن‌ها را به خطر می‌انداخت به‌طوری‌که اصل شخصی بودن مجازات جای خود را به اصل گروهی بودن مجازات داده بود. به‌تدریج به جای بزه دیده، جرم به عنوان کانون توجه حقوق کیفری مطرح شد و این اعتقاد به وجود آمد که تأکید بایستی بر جرمی باشد که نظم اجتماعی را مختل ساخته و لذا باید با اعمال مجازاتی شبیه به بزه صورت گرفته، تعادل جامعه اعاده گردد. در این صورت کیفر بایستی دقیقاً همانند جرم ارتكابی باشد.^۱ دین اسلام نیز اهمیت بسیار زیادی برای قتل نفس قائل است. چه آنکه قتل نفس علاوه بر آنکه از جمله معاصی کبیره به شمار می‌رود، عضوی فعال از اعضا جامعه اسلامی را از بین می‌برد و گویی با قتل یکی همه انسان‌ها کشته شده‌اند. چنانچه فقها قتل عمدی را با وجود سه دسته حقوق می‌شناسند:

الف - حق الله، ب - حق ولی دم، ج - حق مقتول

اما با گذشت زمان طرز فکر قبلی جای خود را به چیزی نو داد، به‌طوری‌که فعل و انفعالات ذهنی در یک جرم نقش اصلی و تعیین‌کننده داشت و به عنوان مبنای اصلی تقسیم‌بندی انواع قتل و پیش‌بینی مجازات اجرا برای آن مورد توجه قرار گرفت که به صورت عام در کلیه جرائم و به شکل خاص در قتل مورد توجه قرار گرفت. به تدریج شاهد جایگزینی فعل و انفعالات ذهنی در اثبات جرم به جای بزه آن بودیم. با پیشرفت قوانین عنصر معنوی نقش تعیین‌کننده در جرائم داشتند و دیگر به طور مطلق به عنصر مادی تکیه نکردند. می‌توان گفت که عنصر معنوی نقش مشخص‌کننده حقوق و تکالیف افراد را بر عهده دارد. در قتل با اثبات وجود عنصر معنوی، حقوق و تکالیفی بر عهده دو طرف قرار می‌گیرد. یا قتل عمد می‌شود و اولیای دم مقتول حق قصاص کردن دارند یا اینکه غیر عمد است و فاعل مکلف است که دیه‌ی مقتول را بدهد. یا سر قاتل بالای دار می‌رود یا با دادن خون‌بها یا گرفتن عفو، جانی دوباره می‌گیرد. این موارد است که وجود این عنصر در جرائم به ویژه قتل را حساس کرده است. این عنصر سپر دفاعی همه انسان‌های شریف و

۱. ژان برادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات

بی‌گناه است و اگر به‌درستی اعمال گردد می‌تواند اعمال بدون اراده و بدون سوءنیت را از جرم جدا کند و جایگاه امنی برای افراد صالح و پاک است. برای مجرم شناختن دیگری و سلب آزادی و آسایش و حقوق او، باید قابل مجازات باشد و این امکان، با احراز عنصر معنوی وجود دارد. عنصر معنوی به وجود آورنده رابطه‌ی مجرم و جرم است و به دنبال آن، واکنش کیفری جرم متأثر از این رابطه است. اثبات دو مفهوم عمد و غیر عمد، ملازمه‌ی کاملی با عنصر معنوی دارد. البته انجام عمل مجرمانه، به‌خودی‌خود دلیل وجود عنصر معنوی نیست و گاهی که جرم انجام می‌شود، قانون مرتکب را به خاطر فقدان قصد جنایی یا مسئولیت کیفری قابل تعقیب نمی‌داند؛ زیرا مجازات انسان در ارتکاب جرم به این دلیل است که او روی درک، اختیار، اراده و عمد مرتکب شده است و از نظر کیفری در صورتی مسئول است که اهلک داشته و در مورد انجام رفتارهای خود آگاهی داشته باشد؛ ماهیت اعمال ارتكابی را بداند و از نتایج آن نیز مطلع باشد. با توجه به اهمیت عنصر معنوی به‌عنوان رکنی از ارکان تشکیل‌دهنده جرم قتل، کمتر شاهد آن هستیم که توجه زیادی در کتب و تحقیقات فقهی و حقوقی به این مطلب شود؛ و این مطلب شایسته‌ی توجه بیشتر به این مبحث توسط عالمان و دانشجویان دارد. شاید علت این کم‌توجهی، یکی توجه بیشتر قانون‌گذار ما چه قبل و چه بعد از انقلاب به عنصر مادی قتل به جای عنصر معنوی آن باشد. چنانکه موارد قتل پیش‌بینی‌شده بر مبنای عنصر مادی نسبت به عنصر معنوی چنان زیاد است که این شبهه را در ذهن ایجاد می‌کند که مقنن بیش از هر چیز متمرکز به عنصر مادی قتل بوده است و دیگر، بی‌توجهی و ساده‌انگاری دانشجویان به این مقوله و بی‌اهمیت بودن نسبت به این موضوع است. در حالی که به نظر می‌آید که این مقوله صرفاً یک سری تعاریف تکراری و همیشگی است، از تفکر در این مطلب و یافتن راه‌هایی برای اثبات راحت این رکن از جرم، امتناع می‌ورزند که شایسته جامعه‌ی علمی ما نیست. صرف در شناخت این مقوله و درنهایت حکم به محکومیت یا برائت اشخاص، از معضلاتی است که نظام قضایی ما با آن مواجه است که ریشه‌ی آن را باید در پژوهش و آموزش جستجو کرد.

با توجه به احصاء نمودن مواد قانونی توسط قانون‌گذار در مورد قتل (مواد ۲۸۹ به بعد و برخی مواد دیگر) مؤلف در پی تحقیق و بررسی عنصر معنوی قتل و نقش عنصر معنوی در تعیین نوع قتل از جهت عمدی و غیرعمدی و شقوق آن است و در این پژوهش ضمن تعریف مفاهیم عملیاتی تحقیق، به اجزاء عنصر معنوی قتل پرداخته و نقش علم و اراده را در تحقق انواع قتل تشریح و تبیین می‌نماید و به بررسی جنایت اشتباه در هویت (ماده ۲۹۴)، جنایت بر اساس اشتباه موضوعی یا حکمی در مهدورالدم (ماده ۳۰۳) و بررسی عنصر معنوی آگاهی‌های می‌پردازیم. به همین جهت مهم‌ترین سؤالات این پژوهش آن است که مبانی فقهی ناظر به عنصر معنوی قتل در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ کدام است؟ تغییرات ناظر به عنصر معنوی قتل در قانون جدید در مقایسه با قوانین قبلی کدام است؟ آیا علم به نوعاً کشنده بودن فعل بدون قصد فعل نسبت به مجنی علیه موجب تحقق عمد در قتل می‌شود یا خیر؟ آیا اراده به تنهایی نیت مجرمانه را محقق می‌سازد و نیاز به همراهی عامل دیگری دارد؟

۲- بیان مسئله و سؤال‌های تحقیق

برای اینکه بتوان جرمی را منتسب به فردی کرده و او را در برابر انجام آن مجازات کرد علاوه بر عنصر قانونی، مبتنی بر پیش‌بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و عنصر مادی جرم، شامل وقوع عمل در خارج، باید عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شده باشد؛ درواقع باید میان عمل و شخص عامل رابط روانی (رابطه ارادی) موجود باشد که آن را عنصر اخلاقی (روانی یا معنوی) می‌نامند. باید توجه داشت که در کلیه جرائم (در اینجا قتل) اعم از عمدی و غیرعمدی اراده ارتکاب جرم وجود دارد و قانون‌گذار فقط انجام عمل ارادی را مجازات می‌کند؛ بنابراین حتی در صدمات بدنی ناشی از حوادث رانندگی و مستی نیز شخص مرتکب واجد اراده بوده و باوجود همین اراده است که راننده اتومبیل را به راه انداخته است. درواقع راندن اتومبیل مورد اراده و خواست راننده است و فقط نتیجه آن که صدمات بدنی بوده، مورد نظر و مقصود راننده نبوده است. در صورت فقدان اراده ارتکاب

فعل، تحقق جرم منتفی است. پس اگر فردی بر اثر اعمال غیرارادی اعم از ۱. عکس‌العمل‌های طبیعی انسان مثل رعشه ۲. اجبار مادی یا معنوی مثل بستن دست و پا و خوراندن شراب ۳. خواب و بیهوشی ۴. هیپنوتیزم و... مرتکب فعلی که در حالت عادی جرم است بشود، مجازات نمی‌شود. ارتکاب عمل قتل نیز، به خودی خود دلیل وجود عنصر معنوی یا روانی نیست و باید تقصیر مرتکب در انجام عمل احراز شود. آنچه تقصیر در معنای عام نامیده می‌شود یا بر پایه عمد یا مبتنی بر خطاست؛ عمد عنصر روانی آن دسته از جرائمی است که اصطلاحاً جرائم عمدی نام دارند و خطای جزایی عنصر روانی جرائم خطایی.

حقوق و سلبه‌ای برای تفتیش ذهنی اشخاص ندارد. پس تنها وسیله‌ای که ما در اختیار داریم برای اثبات عنصر معنوی از طریق چگونگی رفتار شخص به: اولاً به وجود یا عدم وجود عنصر معنوی و ثانیاً به نوع عنصر معنوی، پی ببریم. الف- احراز یا اثبات عنصر معنوی از طریق مطالعه و بررسی رفتار مرتکب است گاه اقرار شخص به جرم باطل است. پس اقرار اشخاص کافی نیست و از روی رفتار او متوجه می‌شویم که دروغ می‌گوید. ب- تعامل عنصر مادی و معنوی این دو جزء قابل تفکیک نیستند این دو جزء غیرقابل تفکیک‌اند و اگر بین آن دو تفکیک صورت گرفت جرم صورت نگرفته است.

نکته: عنصر معنوی زمانی از ارکان جرم است که قابل تفکیک با رفتار نباشد در جرم قتل عمل فرد با اراده و قصد او ممزوج بوده. پس اگر در زمان ارتکاب نیتی نباشد و قبل یا پس از ارتکاب قصد کنیم جرم قابل تحقق نیست. (پس عنصر معنوی وقتی می‌تواند از ارکان جرم باشد که قابل تفکیک با رفتار نباشد.) قانون‌گذار در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) جنایت بر نفس (قتل) عمد در مقایسه با قانون قبل، اولاً، بازم تعریف از عمد در قانون نیامده، ثانیاً، این ماده نسبت به قانون قبلی محدودتر شده است و مصادیق به صورت جزئی‌تر مشخص شده‌اند، ثالثاً، در ماده ۲۹۴ اشتباه در هویت، به قانون اضافه شده است. به علاوه قانون‌گذار ترک فعل ناشی از وظیفه و قرارداد را در ماده ۲۹۵ به عنوان رفتار لازم برای قتل عمد پذیرفته است. به عبارت دیگر، برای جرم بودن ترک فعل هم عنصر روانی را لازم دانسته است.

در این پژوهش درصدد هستیم مبانی فقهی این تغییرات قانونی، عنصر معنوی توسط قانون‌گذار را بررسی کنیم.

۳- پرسش‌های تحقیق

سؤالاتی که در این پژوهش نگارنده درصدد پاسخگویی به آن است از دو بخش اصلی و فرعی تشکیل گردیده است به شرح ذیل است:

سؤال اصلی:

مبانی فقهی ناظر به عنصر معنوی قتل در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ کدام است؟

سؤالات فرعی:

۱- با توجه به عنصر معنوی، انواع قتل در فقه و حقوق موضوعه کدام است؟

۲- عناصر تشکیل دهنده انواع قتل چیست؟

۳- تغییرات ناظر به عنصر معنوی قتل در قانون جدید در مقایسه با قوانین قبلی کدام

است؟

۴- فرضیه‌های پژوهش

۱- ملاک و مبانی فقهی عنصر معنوی قتل با توجه به اعتبار قصد فعل و قصد نتیجه

در قتل، که از دیدگاه و لسان فقها (ضابطُ العمدِ آن یکونَ عامداً فی فعله و قصدِه) می‌توان تغییرات در قانون مجازات اسلامی جدید را توجیه کرد.

۲- طبق ماده ۲۸۹ قانون مجازات جدید و تعریف فقه انواع قتل از لحاظ عنصر معنوی

شامل عمدی، شبه عمدی و خطای محض است.

۳- عناصر تشکیل دهنده قتل شامل عنصر مادی، عنصر قانونی و عنصر معنوی است.

که پژوهش حاضر به ارائه عنصر معنوی قتل با توجه به ملاک فقهی که در فرضیه اول ذکر

شد می‌پردازد.

۴- تغییرات ناظر به عنصر معنوی قتل در قانون مصوب ۹۲ نسبت به قانون سابق، در این است که قانون جدید مصادیق این جرم را محدود کرده و موادی را هم اضافه کرده است. مثلاً اضافه شدن بندهایی به قتل عمدی، آمدن قتل شبه عمد در ماده‌ای جداگانه، قتل اشتباه در هویت و قتل اشتباه در تشخیص مهدورالدم بودن مباحث جدیدی از تغییرات ناظر به قانون جدید نسبت به قانون قبل است که با توجه به عنصر معنوی قتل، به بررسی این تغییرات می‌پردازیم.

۵- پیشینه‌ی پژوهش

با توجه به اهمیتی که مبحث قصاص در رأی قضات و دادگاه‌ها دارد، در زمینه عنصر معنوی پایان‌نامه‌هایی در دانشگاه‌های کشور تنظیم شده است و نیز بررسی‌های تطبیقی هم صورت گرفته است؛ اما علیرضا رست با همکاری امیر جعفری، دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی به بررسی عناصر قتل عمدی و بیان احکام مقنن در مورد ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب (۷۵) در سال ۱۳۷۸ پرداخته‌اند اما به دلیل جدید بودن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، پژوهشی که به صورت تطبیقی بین قانون مذکور و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ پرداخته باشد وجود ندارد و از این جهت موضوع جدیدی است.

۶- ضرورت انجام پژوهش

با توجه به تغییراتی که قانون مصوب ۱۳۹۲ در مورد جنایت بر نفس داشته است در صدد این مطلب هستیم که آیا موارد تغییر یافته برگرفته از فقه امامیه و تطبیق فرع بر اصل است یا قانون‌گذار خواسته مصالحی را که در ذهن خود داشته بر قانون تطبیق داده و در آن تغییراتی ایجاد کند؟ به خصوص تغییرات و تفاوت‌هایی که نسبت به قانون سابق جدید هستند که در فرضیه‌ها به آن‌ها اشاره شد که ملاک فقهی آن‌ها قصد فعل و نتیجه است.

۷- اهداف پژوهش

این پژوهش از لحاظ نظری در صدد این است با استفاده از مستندات فقهی در تطبیق قوانین مصوب ۱۳۷۵ با ۱۳۹۲، در صورت وجود تعارض فقهی و حقوقی راه حلی برای تعارض پیدا کند. به علت اینکه قانون مجازات مصوب ۹۲ نسبت به قانون قدیم تفاوت‌هایی ناظر به عنصر معنوی کرده است که شامل: اضافه شدن بندی به قتل عمدی، آمدن قتل شبه عمد در ماده‌ی ۲۹۱ و ذکر بندهای آن، قتل اشتباه در هویت و قتل با اشتباه در تشخیص مهدور الدم بودن، در ضمن با ارائه‌ی پیشنهادهایی (که در قسمت پایانی این پژوهش آمده است)، امکان صدور حکم توسط قضات در موارد سکوت، نقض، اجمال یا تعارض قوانین وجود داشته باشد.